



کیوان زرگری  
keyvanzargari@yahoo.com  
کارنویس

## تماشاخانه



شهر ونگ

پیراگتم: به ماشد عرصه تنگ | توی دنیای پراز اندوه و جنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کردو داد پاسخ: «شهر ونگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون  
شماره هزار و بیست و ششم

شهر ونگ

صفحه آخر

یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸  
سال هفتم شماره ۱۹۳۴

می توانید QRcode زیر را  
با گوشی اسکن کنید



اینستاگرام شهر ونگ: Instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهر ونگ: shahrvang1@gmail.com

## تقویم آینده تاریخ

روزهای قرنطینه

با الکل ۷۰ درصد و آقای حیاتی



وحید میرزایی  
طنزنویس



یک مسئول: دیر متوجه کرونا شدیم، فکر می کردیم آنفلوآنزاست

# کرونا: انتقام همه این بی توجهی ها رو می گیرم!

- رسانه ها: ولی ما زود متوجه شدیم، شما هم زود تکذیب کردید!
  - آنفلوآنزا: من هی می گفتم دارید اشتباه می زنید!
  - یک پزشک: ولی ما همیشه می گیم که از این ویروس جدیدها گرفتید!
  - کرونا: دیگه کم کم داشتم عقده کم توجهی پیدا می کردم!
  - یک مسئول: مگه خودتون تو اینستاگرام نمی گید کشنده ترین سلاح کم توجهیه؟!
  - یک مسئول دیگر: من فهمیدم ولی خواستم آرامش تون رو بهم نزنم!
  - یک مدیر: ولی اگه من رو ول کنی، همین الانم تکذیب می کنم!
- # ما گفتیم... ولی... ندیدید... توجه... تون... رو... ببرید... بالا... بالاتر... شهر ونگ

صد اوسیمما: از خانه خارج نشوید / صد اوسیمما چند ثانیه بعد: به این فروشگاه بروید و از تخفیفات آن استفاده کنید!

## صد اوسیمما: کرونا میادومی ره این پوله که می مونه!

- کرونا: آره، بگید جمع کنند، من خیلی دوست دارم!
  - بخش خبری: صفوف منظم افراد کرونا گرفته رو می بینید که دارند از تخفیف ها استفاده می کنند!
  - یک مصاحبه شونده: از وقتی تخفیفات ویژه رو دیدم، درد کرونا رو فراموش کردم!
  - یک کارشناس: از قدیم گفتند تخفیف مرده روزنده می کنه!
  - یک مجری: از مدیر فروشگاه درخواست کردیم که این دم آخری به تخفیف خوب به همه بده!
- # تناقض # محصول # همیشه - رسانه - ملی # شهر ونگ

پدر در حالی که به زور مادر قرنطینه خانگی شده بود و برای بار هفتم داشت دایی جان ناپلئون را می خواند، شدیداً معتقد بود این یک ویروس هوشمند است که برای زمین زدن اقتصاد چین ساخته شده. مادر اصرار داشت کل مافیهای خانه را با محلول ۱۰ درصد الکل، ۲۰ درصد وایتکس و ۸۰ درصد آب ضد عفونی کند. خواهرم تمام تلاشش را می کرد که به مادر بفهماند این وسط ۱۰ درصد ترکیبات محلول ضد عفونی اضافی است و جمعش ۱۰۰ نمی شود.

پدر صبح با نوای مادر که می گفت «زیر گل برین، صد دفعه گفتم کفشتون رو همون بیرون در بیارید.» از خواب بیدار می شد، موبایلش را روشن می کرد، فیلتر شکنش را فعال می کرد و در طرفه العینی اخبار مربوط به ویروس کرونا را به صورت پکیج درآورده و بلافاصله در گروه خانوادگی تلگرام می گذاشت و تهنش می نوشت «نگفتم بهتون دیروز؟! و با لایک های پی در پی شوهر عمه و عموم، روزش شروع می شد. بعد به آشپزخانه می رفت و بی آنکه مادر متوجه شود! انگشت سیبانه اش را تا نصفه داخل عسل می کرد و در دهانش می گذاشت. مرحله بعد جیب مادر بود که با محلول ضد عفونی کننده به سمت پدر میدوید و انگشت او، شیشه عسل، خود عسل، باسن زنبور عسل، دهان پدر و کل آشپزخانه را ضد عفونی می کرد تا همه را از این ویروس خطرناک نجات دهد. البته همه این کارها نه در فضای آرام و بدون تنش که در شرایط کاملاً جنگی انجام می شد. در این اثنا خواهر نیز با نشان دادن شادی و حرکات موزون پرستاران در بیمارستان ها، سعی می کرد جمع را آرام و طرفین را دعوت به خویشتن داری کند.

ظهرها هم پس از صرف ناهاری پرو پیمان با چاشنی ترشی و ماست موسیر، پدر مجدداً پس از گفتن جمله «این ویروس هوشمند است که برای زمین زدن اقتصاد چین ساخته شده»، تلویزیون را روشن می کرد و آقای حیاتی را راس ساعت ۱۴ می نشاند وسط خانه. طبیعتاً آقای حیاتی هم از قبل مشخص بود قرار است چه بگوید: «مردم نگران نباشند، کرونا ویروس خاصی نیست، مسئولان همه خودشان کرونا گرفته اند، آمار بهبودیافتگان بسیار بالاست و کشورهای غربی علاوه بر ورشکستگی اقتصادی همیشگی، قادر به شکست ویروس کرونا نیستند.» پدر اما جوری با ولع اخبار را گوش می داد و رو به من می گفت «دو دقیقه دهنتم رو ببند، بذار بینیم اخبار چی میگه!» که انگار اولین بار است می شنود و برایش کاملاً تازه ای داشت. شب نیز طبق روال همیشه باز هم پدر اخبار ۳:۲۰ را می دید و همان حالت ولع در خوردن اخبار را داشت و مادر نیز مشغول درست کردن محلول ۱۰ درصد الکل، ۲۰ درصد وایتکس و ۸۰ درصد آب برای فردا بود، حالاً من دیگر کدام خس و خاشاک می توانستم باشم که در مقابل این شرایط بخواهم اساساً اطلاع سانی درستی بکنم. این تقریباً سریال هر روزه قرنطینه بود. □



گوچه خودمونه، اما گفتم حالا که رفت و آمد کساده به اسم خوشگل زوش بنداریم روجه مون حفظ بشه! و ما مسرور و شادمان از کشف این استعداد طنز ۷ هزار و ۶۰۰ تومان وجه رایج مملکت دادیم و یک کیلو گوچه برویبا خریدیم تا بیا بییم خانه امتی درست کنیم و بعدش یادداشت طنزی بنویسیم و به این جوان خوش ذوق آفرین بگوییم که در این روزهای کساد رفت و آمد، ویتامین ها و املاح لازم برای سلامت جسم و جان شهروندان را با طنز ای تأمین می کند. خداوند به کسب و کارش برکت بدهد. □

پژوهش های میدانی خود کشف کرد که بعدها تصویرگری روزنامه «شرف» و بسیاری از شاهکارهای چاپ سنگی آن روزگار را در نهایت زیبایی انجام داد. ما هم همین روش رصد کردن اعتماد السلطنه را نصب العین خود قرار داده ایم و در کنار حل کردن صد ها مشکل ریز و درشت زندگی به دنبال کشف استعداد های طنز مملکت هستیم. دیروز که با ماسک و دستکش و رعایت تمام نکات بهداشتی رفتم بودم میدان تره بار، نوشته جالبی توجهم را جلب کرد: «گوچه برویبا!» از غرغه دار پرسیدم: «این گوچه جدیده؟! با حاضر جوابی گفت: «نه، همون

## تقاطع غیر هم سطح

# سال آینده چه آشی برایمان پخته است؟!

**شهریور ماه:** شهریور آخرین مرحله بازی برای اعضای انجمن شوقا اینستاگرام است. هشتگ تابستون کوتاه است، به اوج خودش می رسد و هر روز شاهد عکس هایی با حداقل لیاست در فضای مجازی هستیم. دانشجو ها و دانش آموزان عزیز هم کم کم باید دماغ شان را تیز کنند تا بوی ماه مدرسه خوب به مشام شان برسد. قیمت دفتر و خودکار و جامدادی هم نسبت به امسال هیچ تغییری نمی کند، خیال تان راحت.

**مهر ماه:** در نگاه جمعیت جوان و نیمه جوان کشور، این ماه با اکثریت آرا، منفورترین ماه سال است. عزیزانی که تا چند روز پیش تالنگ ظهر می خوابیدند، حالا باید هفت صبح راهی مدرسه و دانشگاه شوند تا به کسب علم و دانش و این جور چیزها بپردازند. ترافیک در شهرهای بزرگ هم با صدای نگره اش یک سلام درست و حسابی حواله مان می کند.

**آبان ماه:** هوادار دیگر قشنگ دونه فرشته شده و استوری های اینستاگرام جان می دهد برای ناله های بدبوی تان.

**آذر ماه:** اکثر تان قاعدتاً باید تا این ماه جواب ناله های بدبوی تان را گرفته باشید و یک نفر را پیدا کرده باشید. اگر هم پیدا نکردید، دست بجنبانید و یک نفر را قبل از دست دادن کامل امتیازات این مرحله پیدا کنید. در این ماه هم به دلیل موج جدید سرما معمولاً شاهد آغاز قطع گاز و برق و آب و کلا هر چیزی قطع شدنی در چندین شهر و روستا خواهیم بود.

**دی ماه:** شاهد تکان های شدیدی خواهیم بود. وقتی سوال می کنیم که رزله بود؟ می گویند: «نه، نترس، تکنون شدید بازار ارز و سکه بود.» ما هم چند ثانیه ای از اینکه ارزش پس اندازمان قد قیمت عنبرنسا را شده، می لرزیم و می روییم روی و بیره و با بحران بعدی که منتظرمان است، همه چیز به حالت اولش برمی گردد.

**بهمن ماه:** آلودگی هوا به قدری شده که اگر یک روز هوا خوب باشد، آدم باز هم نمی تواند درست نفس بکشد و همه اش دنبال سرب و گوگرد و ذرات معلق می گردد تا بفرستد توی حلقش.

**اسفند ماه:** واقعا زیر بار این همه گرانی و تورم و بیکاری و آلودگی و تصادف و کرونا زنده مانده اید؟! لعنتی، حواسم نبود که نباید در مورد کرونا حرف می زد. □

امروز به پیش بینی اتفاقات سال آینده می پردازیم. توضیح اینکه من در این پیش بینی اصلاً کرونا را در نظر نگرفته ام تا باهوشان بدهم رئیس کیه.

**فروردین ماه:** اگر توصیه را رعایت نکنیم در این ماه بیشتر از هر چیزی کشته روی دست مان می ماند. عده زیادی کماکان به نیت شمال و جنوب سوار خورومی شوند، اما در نهایت سر از آن دنیا در می آورند. بعد از اینکه مقداری از جمعیت مان کم شد، به سیزده بهدر می رسیم. در این روز انتقام همه این کشته ها را از طبیعت می گیریم و بلا یی به سر دار و درخت و گل و چمن می آوریم که تا بخواهند به خودشان بیایند، سیزده بهدر در سال بعد از راه رسیده. بعد از تعطیلات نوروز همه تا چند هفته در حالت استندبای هستند و خدا نکند که کارتان گیر اداره ای، چیزی بیفتد.

**اردیبهشت ماه:** اردیبهشت هوای ملسی دارد. گوچه سبز هم قیمتش تا حدودی افت کرده و می توانید بخورید تا آرزوی دل نماند. در این ماه آدم ها همه اش دنبال یک فرصت هستند تا برنامه هایی که برای سال آینده کرده بودند و توی فروردین نرسیدند انجام بدهند را شروع کنند.

**خرداد ماه:** از آنجایی که در سال آینده در این ماه انتخاباتی نداریم که بپردازد، احتمالاً مسئولان همت می کنند و یک افزایش قیمت تپل ایجاد می شود. پس اصلاً نگران نباشید.

**تیر ماه:** تیرماه بیشتر از هر چیزی گرما برایتان به ارمغان می آورد. این ماه، ماه چالش های بزرگ در خانواده های ایرانی است. بعضاً دیده شده که بر سر روشن و خاموش کردن کولر در خانه خون به پا شده و چه احترام ها که پخش زمین نشده. در ضمن توی این ماه خودتان را برای جک های میزه پدر و فرزند ی بر سر کولر آماده کنید.

**مرداد ماه:** مرداد این قدر گرم است که کسی رغبت نمی کند تا مجبور نشده، از زیر باد کولر بیرون بیاید. کلا یک بار در مرداد اتفاق مهم افتاد، آن هم همان سال ۳۲ بود؛ چون آن وقت هاتهران این قدر گرم نبود.



شهاب نبوی  
طنزنویس

## شهرنگار

# کرونا، موتور کاریکاتور را به حرکت درآورد

شیوع ویروس کرونا باعث شد تا موتور کاریکاتور دوباره به حرکت درآید. فی المثل اگر چینی ها توسط این ویروس منحوس می میرند، پاندا هم ترسان و لرزان نگران آینده خود است. یا اگر اقتصاد چین دچار رکود شده، آن را در کسوت بیماری می بینید که به او سرم وصل کرده اند و در کار تونی دیگر متوجه می شوید شرایط وخیم قادرند با فروش ماسک به سایر کشورهای آلوده سود کلانی کسب کنند. اما موضوعی که مجله «نیویورکر» در هفته گذشته به آن پرداخته، چینی هانیستند، بلکه شخص رئیس جمهوری آمریکا است که گویا در یک کنفرانس خبری در مورد شیوع ویروس در آمریکا گفته بود: «وضعیت تحت کنترل است؛ همه چیز به خیر و خوشی تمام خواهد شد.» در حالی که از نظر روزنامه نگاران، او دروغ می گوید زیرا ویروس تازه وارد شده است. متعاقب آن «برایان استافر» تصویرگر آمریکایی روی جلد نیویورکر، ترامپ را نشان می دهد که دهانش را باز کرده و چشمانش را با ماسک پوشانده است. در همین رابطه «دیوید ریمینیک» مقاله نویسی نیز زیر عنوان «ترامپ در عصر ویروس کرونا» به تشریح ابعاد منفی شخصیت او می پردازد. در واقع با داشتن حق آزادی بیان، جان ویروس ها به خطر می افتد. آزادی بیان به مردم امکان می دهد تا چهره واقعی سیاستمداران دروغگو فاسد را آشکار کنند.



یحیی تدین  
کارنویس

